

گزارش

چوب حراج به میراث صنعتی مازندران

چشم‌امید کارگران به دیوان محاسبات

ادامه‌از صفحه ۱۰

البنه به نظر می‌رسد در چند سال گذشته هم شهرداری قائمشهر علاقه‌ای به انتخاب مدیر نساج و متخصص برای کارخانه نساجی نداشته است. به همین دلیل کارگران به انتخاب مدیران غیرمتخصص برای کارخانه نساجی معترض هستند. یکی از کارگران قدیمی این کارخانه که نخواست نامش فاش شود، به «شرق» می‌گوید: «قائم‌شهر به دلیل وجود کارخانه‌های نساجی شماره یک، دو و سه و همچنین هنرستان تخصصی نساجی مدیران توانمند زیادی دارد، اما یک بار هم نشده شهرداری قائمشهر از وجود چنین افرادی به‌عنوان مدیرعامل کارخانه استفاده کند، بلکه برعکس شهرداری قائمشهر همواره سعی داشته مدیران غیرمتخصص و درجه‌سه را که هیچ آگاهی‌ای از حوزه نساجی نداشتند، به کار بگیرد. خریدار جدید کارخانه یعنی مصطفی صادقی، نساج نیست و اهلیت برای این کار ندارد. کارگران امیدوارند دیوان محاسبات به این موضوع ورود کرده و اهلیت خریدار کارخانه را تأیید نکند».

این عضو شورای شهر قائمشهر با اشاره به اینکه کارخانه نساجی در چند دهه گذشته همیشه زیان‌ده بوده است، می‌گوید: «اهلیت فنی خریدار کارخانه نساجی باید تأیید شود. باید کسی که نساج است مدیریت این کارخانه را بر عهده بگیرد یا اینکه کارخانه زیر حمایت صندوق حمایت از صنایع به کارش ادامه بدهد».

نکته حائز اهمیت این است که تازه بعد از فروش کارخانه نساجی توسط شهرداری قائمشهر به شرکت دارسا قائم و شخصی به نام مصطفی صادقی، بحث اهلیت فنی و اعتباری او به‌عنوان خریدار مطرح شده است. با این وجود، سعید برزگر، عضو شورای شهر قائمشهر، در پاسخ به این پرسش که اگر دیوان محاسبات اهلیت خریدار (مصطفی صادقی) را تأیید نکند چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌گوید: «در صورت تأییدنشدن اهلیت فنی و اعتباری خریدار، امکان فسخ قرارداد فروش کارخانه وجود دارد؛ چون در صورتی این معامله درست می‌شود که سازمان خصوصی‌سازی و دیوان محاسبات اجازه بدهند». این عضو شورای قائمشهر معتقد است: «خرید و فروش کارخانه نساجی ایرادات حقوقی دارد و هنوز تکلیف مالکیت مشخص و نهایی نشده است. همچنین چارچوب‌های قانونی به‌طورکامل رعایت نشده و نحوه انتخاب کارشناس قیمت‌گذاری مورد مناقشه است».

اعتراض کارگران نساجی

یکی از کارگران کارخانه نساجی در گفت‌گو با «شرق» ضمن ابراز ناراحتی شدید از روند مدیریت شهرداری قائمشهر بر این کارخانه در چند سال گذشته، می‌گوید: «شهرداری هرگز دنبال این نبود که کارخانه نساجی را به درآمدزایی برساند. انتخاب مدیران غیرمتخصص و هیئت‌مدیره غیرمتخصص و همچنین اورهال‌نکردن کارخانه، دلایل روشن بر این ادعاست که شهرداری هدف سودآوری و گردش کار کارخانه نساجی را دنبال نمی‌کرده است». جالب اینجاست که کاظم علیپور، شهردار قائمشهر، زیان‌ده‌بودن کارخانه نساجی را دلیل فروش می‌داند، اما او به این پرسش پاسخ نمی‌دهد که مجموعه شهرداری قائمشهر اصلا چرا اقدام به خرید یک کارخانه زیان‌ده کرد؟ و در مدت هشت سال مالکیت بر کارخانه نساجی چه برنامه‌ای را برای تغییر مسیر کارخانه از زیان‌دهی به سوددهی پیاده کرده است؟ بنا بر اظهارات کارگران کارخانه نساجی که این روزها از سوی شهرداری قائمشهر تحت فشار هستند، «از سال ۹۵ و بعد از فروش غیرقانونی کارخانه نساجی به شهرداری قائمشهر، این مجموعه قدیمی در راستای اورهال تجهیزات، بازسازی و نوسازی و بهبود وضعیت کارخانه برنداشته است».

کارگران کارخانه نساجی قائمشهر بر این باورند شهرداری قائمشهر کارخانه نساجی را در سال ۹۵ با هدف توسعه و رشد تولید این کارخانه نخرید، بلکه تنها قصد داشته بر زمین هفت‌هکتاری این کارخانه مسلط شود و حالا دعا می‌کند چون به سودآوری نرسیده، قصد فروش آن را دارد. سؤال مهم این است که چه اقدامی برای سودآوری آن انجام داده است؟

سقوط تولید کارخانه در دوره مالکیت شهرداری قائمشهر

گفته می‌شود مقدار تولید کارخانه نساجی بعد از خرید آن توسط شهرداری قائمشهر کاهش یافته است. قبل از اینکه شهرداری قائمشهر کارخانه را بخرد، در بخش ریسندگی، روزانه پنج تن نخ و در بخش بافندگی هفت هزار متر پارچه تولید می‌شد، اما در حال حاضر این مقدار در بخش ریسندگی به کمتر از یک تن و در بخش بافندگی تا هزار متر کاهش یافته است.

انتقادات کارگران به شهرداری قائمشهر

یکی از کارگران نساجی قائمشهر به «شرق» می‌گوید: «در این سال‌ها شهرداری قائمشهر نه‌تنها قدمی برای بهبود صنعت نساجی در کارخانه قائمشهر برنداشته، بلکه از زمین‌های متعلق به کارخانه برای امور خود استفاده کرده است. استقرار واحد آتش‌نشانی در محدوده ۴۰۰متری کارخانه نساجی از سال ۹۷، استقرار واحد زیباسازی شهرداری در محل کارخانه، تبدیل و تغییر کاربری سالن اجتماعات و آمفی‌تئاتر کارخانه و تغییر کاربری پارکینگ کارخانه نساجی به انباری سیمان اقداماتی است که صدای کارگران را درآورده است. قانونی‌بودن این اقدامات شهرداری قائمشهر باید بررسی شود». یکی از دیگر کارگران کارخانه نساجی با اشاره به تخریب عمدی دستگاه‌ها و تجهیزات کارخانه می‌گوید: «کارخانه نساجی هوکنش زیرزمینی و هواکش هوایی دارد. یک دفعه هم‌زمان دو هواکش زیرزمینی دچار آتش‌سوزی شد که از نظر فنی وقوع چنین اتفاقی امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه عمدا آتش گرفته باشند». این کارگر به «شرق» می‌گوید: «شما باور می‌کنید دستگاهی که خاموش بود و حتی روی آن کاور کشیده بودند، به‌طور غیرعمد آتش بگیرد؟ یا هم‌زمان دو سه هواکش دچار حریق شود؟ از نظر ما اینها عمدی بود تا کارخانه تعطیل شود تا بتوانند آن را بفروشند».

تهدید و تطمیع کارگران

این کارگر قدیمی کارخانه نساجی به تهدید و تطمیع کارگران هم اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «تعدادی از کارگران افزایش حقوق گرفته و تطمیع شده‌اند. افراد نزدیک به شهردار با گرفتن پست‌های حساس و افزایش حقوق، به باند شهردار ملحق و به اهرم فشار بر کارگران تبدیل شده‌اند. سازمان رازسی باید بررسی کند چرا افراد با سابقه کاری مشترک حقوق متفاوت می‌گیرند؟».

دقت نداشته باشیم که کارخانه نساجی قائمشهر در سال ۱۳۹۹ به‌عنوان میراث صنعتی ثبت شده است و به نظر می‌رسد سازمان میراث فرهنگی هم به فروش این کارخانه اعتراض دارد. افزون بر این، خانه کارگر مازندران هم با صدور بیانیه‌ای، فروش کارخانه نساجی را اقدامی غیرمنطقی دانست و شهرداری قائمشهر را به ترک فعل و شانه خالی‌کردن از وظایف خود متهم کرد. کارگران کارخانه نساجی تنها راه نجات این کارخانه را واگذاری آن به بخش خصوصی متخصص می‌دانند تا از طریق بازسازی تجهیزات، کارخانه را به درآمدزایی برساند.

الگویی برای حکمرانی مشارکتی نوآورانه و اخلاق‌محور

گفت‌وگو با مهندس محمدرضا یزدان‌پناه، نخستین مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش و مشاور عالی کنونی سازمان

جزیره کیش، با وجود وسعت محدودش، در منظومه توسعه نهادی کشور نقشی فراتر از اندازه جغرافیایی خود ایفا کرده است. این پیشستازی نه صرفا محصول سرمایه‌گذاری یا موقعیت استراتژیک، بلکه نتیجه شکل‌گیری نوعی الگوی نوپدید در حکمرانی است که در سایه ساختار شکنی، نوآوری و آزمون و خطا متولد شد.

در مواجهه با تجربه کیش، ناگزیر باید به تمایز میان مفاهیمی همچون مدیریت، حکمرانی و حکمروایی پرداخت. مدیریت، بر اجرا و بهره‌وری متمرکز است؛ درحالی‌که حکمرانی مفهومی گسترده‌تر است که نحوه تصمیم‌گیری، چگونگی تعامل نهادهای عمومی و خصوصی، مشارکت ذی‌نفعان و سازوکارهای پاسخ‌گویی را در بر می‌گیرد. برخی برای تأکید بر بُعد مشارکتی و شبکه‌ای این مفهوم، واژه حکمروایی را به کار می‌برند که در زبان فارسی، بار معنایی متمایزتری از حکمرانی دارد. به این اعتبار، حکمروایی را می‌توان شکلی از اداره مشارکتی دانست که از تمرکزگرایی عبور کرده و بر تعامل و هم‌افزایی میان نهادهای متکثر در اداره امور تأکید دارد.

از این منظر، کیش را می‌توان نمونه‌ای زنده از حکمروایی در حال تکوین دانست؛ جایی که سازمان منطقه آزاد نه به‌مثابه وزارتخانه‌ای کلاسیک، نه شهرداری‌ای محلی و نه صرفا شرکت اقتصادی، بلکه همچون نوعی دولت محلی تجربی شکل گرفت. به باور من می‌توان آن سال‌های ابتدایی را دوران جست‌وجوی مدل حکمرانی نامید؛

۱. کیش: از تجربه زیسته تا الگوی حکمرانی

✎ آقای یزدان پناه، شما به‌عنوان اولین مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، نقش بسزایی در شکل‌دهی به این جزیره ایفا کرده‌اید. اگر بخواهید یک ارزیابی کلان از وضعیت کنونی کیش و روند توسعه آن در یک چشم‌انداز بلندمدت ارائه دهید، کدام مؤلفه‌ها را از نظر حکمرانی و سیاست‌گذاری تعیین‌کننده می‌دانید؟

در ارزیابی کلان وضعیت کیش، سه مؤلفه اصلی را تعیین‌کننده می‌دانم: نخست، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به فرایندهای مدیریتی، دوم، ظرفیت زیرساختی برای توسعه متوازن و پایدار و سوم، توانمندی در نهادسازی نوآورانه که برای موفقیت به هم‌افزایی منابع نیاز دارد. اگر این سه مؤلفه با رویکرد اخلاق‌مدار، شفافیت در عملکرد و تعامل مؤثر با تمامی ذی‌نفعان دنبال شوند، کیش می‌تواند به یک مدل موفق حکمرانی تبدیل شود. امروز اگر بخواهیم کیش را به‌عنوان یک نمونه موفق از حکمرانی تثبیت کنیم، باید به سمت بازسازی نهادهای برویم؛ نهادهایی با حافظه تاریخی، هویت حقوقی روشن و استقلال نسبی از تحولات سیاسی روزمره.

۲. نقش شفافیت و صداقت در حکمرانی محلی

✎ در یک نظام حکمرانی خوب، شفافیت نه‌تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه پیش‌نیاز پاسخ‌گویی مؤثر به شهروندان است. با این نگاه، تجربه کیش در زمینه ایجاد شفافیت چه درس‌هایی برای سایر مناطق دارد و چگونه می‌توان این تجربه را از سطح فردی به سطح نهادی ارتقا داد؟

مدیریت بدون شفافیت به‌تدریج اعتماد عمومی را از دست می‌دهد و در نبود اعتماد، هیچ سیاستی به ثمر نمی‌رسد. در کیش، جامعه‌ای کوچک اما حساس و هوشیار وجود داشت و تصمیماتی که پشت درهای بسته گرفته می‌شد، به‌سرعت واکنش اجتماعی ایجاد می‌کرد. در آن مقطع، شفافیت بیشتر از سر ضرورت اجتنابی بود تا الزام قانونی. اما امروز، این شفافیت باید به‌صورت نهادی و پایدار پیاده‌سازی شود؛ با انتشار عمومی صورت‌جلسات، دسترسی آزاد به داده‌ها، نهادهای ناظر مستقل و سامانه‌های آنلاین نظارت و گزارش‌دهی. این ابزارها به مردم امکان می‌دهند تا در فرایندهای اجرایی حضور پایند و مانع از کم‌کاری‌ها یا مانع‌تراشی‌ها شوند. صداقت در سیاست‌گذاری زمانی معنا پیدا می‌کند که ساختارها، ابزار و اراده لازم برای تحقق شفافیت وجود داشته باشد. **✎ در مسیر توسعه پایدار کیش چه گلوگاه‌ها یا چالش‌هایی مشاهده می‌کنید که نیازمند بازنگری و اصلاح فوری هستند؟ به‌ویژه در زمینه‌های سیاست‌گذاری و حکمرانی، چه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد؟**

مهم‌ترین چالش، نبود انسجام در سیاست‌گذاری‌های بلندمدت و فقدان یک روایت مشترک میان دولت، بخش خصوصی و مردم است. ما نیاز داریم به‌بازطراحی و بازآفرینی سازوکارهای گفت‌وگو، تصمیم‌سازی و پاسخ‌گویی، برای دستیابی به توسعه پایدار و بهره‌برداری هماهنگ از منابع، باید فرایندهای حکمرانی به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه‌فقط در کلام، بلکه در عمل به شکل مؤثری نهادهین شوند.

۳. از مشارکت نمادین تا نهادسازی مردمی

✎ مشارکت واقعی زمانی شکل می‌گیرد که ذی‌نفعان فقط شنیده نشوند، بلکه در تصمیم‌سازی و تدوین سیاست‌ها نقش مستقیم داشته باشند. به نظر شما کیش چگونه می‌تواند شرایطی فراهم کند که مردم به‌جهت مشارکت‌دهنده بودن، در شکل‌گیری سیاست‌ها شریک و اثرگذار باشند؟

کیش نیازمند نهادهایی است که بر شفافیت، مشارکت و چابکی استوار باشند. در حکمرانی نوین، نهادهای باید از دل مردم و ذی‌نفعان برخیزند، نه اینکه صرفا از بالا دیکته شوند. مدیران در چنین ساختاری باید نقش تسهیلگر را ایفا کرده و به‌جای تصمیم‌گیری‌های متمرکز، از مشارکت تمامی ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌سازی بهره ببرند.

۴. فناوری و آینده حکمرانی تمام‌شیشه‌ای

✎ با توجه به تحولات جهانی در عرصه حکمرانی و سیاست‌گذاری، فناوری‌های نوین دیجیتال چه نقشی در تحقق شفافیت و عدالت دارند و کیش چه برنامه‌هایی برای بهره‌گیری از آنها دارد؟

فناوری‌های نوین می‌توانند ابزارهایی بسیار مؤثر برای تقویت شفافیت، مشارکت و عدالت در ساختارهای مدیریتی باشند. سامانه‌های دیجیتال، وب‌سایت‌های تعاملی و پلتفرم‌های آنلاین این ظرفیت را دارند که امکان نظارت و مشارکت شهروندان را افزایش دهند و از تصمیم‌گیری‌های پنهانی جلوگیری کنند. جزیره کیش باید به سمتی حرکت کند که با طراحی و راه‌اندازی سامانه‌های شفاف نظارت و گزارش‌دهی، تمام مراحل سیاست‌گذاری و اجرای پروژه‌ها در معرض دید عموم قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که هیچ تصمیمی پشت درهای بسته گرفته نشود و مردم در جریان کامل امور قرار داشته باشند. چنین مسیری می‌تواند کیش را به سوی حکمرانی تمام‌شیشه‌ای، یعنی حکمرانی شفاف، قابل رصد و پاسخ‌گو هدایت کند.

۵. نردبان مشارکت و چالش شنیدن مردم

✎ یکی از چالش‌های بنیادین در بسیاری از جوامع، نهادینه‌نشدن سازوکارهای شنیدن مردم است. در کیش چگونه می‌توان مشارکتی پایدار و غیرتشریفاتی را پایه‌ریزی کرد که مردم احساس‌دار واقعاً در فرایند تصمیم‌سازی نقش دارند؟ با توجه به مفهومی مانند «نردبان مشارکت» که از سطوح نمادین اطلاع‌رسانی

کیش الگویی برای حکمرانی مشارکتی نوآورانه و اخلاق‌محور

گفت‌وگو با مهندس محمدرضا یزدان‌پناه، نخستین مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش و مشاور عالی کنونی سازمان

جزیره کیش، با وجود وسعت محدودش، در منظومه توسعه نهادی کشور نقشی فراتر از اندازه جغرافیایی خود ایفا کرده است. این پیشستازی نه صرفا محصول سرمایه‌گذاری یا موقعیت استراتژیک، بلکه نتیجه شکل‌گیری نوعی الگوی نوپدید در حکمرانی است که در سایه ساختار شکنی، نوآوری و آزمون و خطا متولد شد.

در مواجهه با تجربه کیش، ناگزیر باید به تمایز میان مفاهیمی همچون مدیریت، حکمرانی و حکمروایی پرداخت. مدیریت، بر اجرا و بهره‌وری متمرکز است؛ درحالی‌که حکمرانی مفهومی گسترده‌تر است که نحوه تصمیم‌گیری، چگونگی تعامل نهادهای عمومی و خصوصی، مشارکت ذی‌نفعان و سازوکارهای پاسخ‌گویی را در بر می‌گیرد. برخی برای تأکید بر بُعد مشارکتی و شبکه‌ای این مفهوم، واژه حکمروایی را به کار می‌برند که در زبان فارسی، بار معنایی متمایزتری از حکمرانی دارد. به این اعتبار، حکمروایی را می‌توان شکلی از اداره مشارکتی دانست که از تمرکزگرایی عبور کرده و بر تعامل و هم‌افزایی میان نهادهای متکثر در اداره امور تأکید دارد.

از این منظر، کیش را می‌توان نمونه‌ای زنده از حکمروایی در حال تکوین دانست؛ جایی که سازمان منطقه آزاد نه به‌مثابه وزارتخانه‌ای کلاسیک، نه شهرداری‌ای محلی و نه صرفا شرکت اقتصادی، بلکه همچون نوعی دولت محلی تجربی شکل گرفت. به باور من می‌توان آن سال‌های ابتدایی را دوران جست‌وجوی مدل حکمرانی نامید؛

و مشاوره آغاز می‌شود و تا مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری و نظارت امتداد می‌یابد، به نظر شما کیش چگونه می‌تواند از مشارکت صوری عبور کرده و به مشارکت واقعی و اثرگذار دست یابد؟ چنین سازوکاری چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا به بخشی از فرهنگ حکمرانی بدل شود؟

قطعاً این نیاز در کیش احساس می‌شود و بی‌پاسخ ماندن آن، به فرسایش سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد. باید سازوکاری طراحی شود که فراتر از جلسات و همایش‌ها باشد و مردم را در فرایند طراحی، تصمیم‌سازی، نظارت و ارزیابی سیاست‌ها شریک کند. این سازوکار باید شفاف، در دسترس همه اقشار و متصل به فرایندهای واقعی تصمیم‌گیری باشد؛ نه صرفا تشریفاتی و نمایشی. بازخورد به مشارکت‌کنندگان، پیگیری نظرات آنان و وجود صداقت رفتاری در مدیران از دیگر الزامات این مشارکت واقعی است. مشارکت زمانی به فرهنگ حکمرانی تبدیل می‌شود که نه فقط در ساختارها، بلکه در ذهنیت و رفتار نهادهین شود.



۶. شورا؛ از ساختار تا کارکرد واقعی

✎ شورای گفت‌وگوی بخش خصوصی و سازمان منطقه آزاد کیش، به عنوان یک سازوکار جدید در حال شکل‌گیری است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده غیبت یک بستر گفت‌وگو میان بخش خصوصی و سازمان، چه پیامدهایی به فعالان اقتصادی ناچار به انطباق بودند. اما تجربه جهانی نشان می‌دهد که تعامل سازنده بدل شود؟

در طول سال‌ها کار اجرایی و مشاوره، به‌وضوح دیدم که فقدان یک بستر نهادی برای گفت‌وگوی پایدار میان سازمان و بخش خصوصی، به انباشت سوءتفاهم، بی‌اعتمادی و در نهایت ناکارآمدی سیاست‌ها می‌انجامد. در عمل، تصمیم‌سازی‌ها بیشتر یک‌طرفه بودند: سازمان تصمیم می‌گرفت و فعالان اقتصادی ناچار به انطباق بودند. اما تجربه جهانی نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری موفق، بر پایه «شنیدن منظم» شکل می‌گیرد. ایده شورا، پاسخی به این نیاز است: نهادهای‌کردن شنیدن و ارتقای کیفیت گفت‌وگو به یک سطح پایدار و مؤثر.

این شورا می‌تواند به عنوان یک بستر جدید، خلا گفت‌وگوی سازنده میان بخش خصوصی، نهادهای محلی و سازمان منطقه آزاد را پر کند. بدون چنین فضایی، سیاست‌گذاری‌ها اغلب یک‌طرفه و فاقد هماهنگی می‌شوند. شورا می‌تواند زمینه‌ساز شفاف‌سازی منافع، هم‌افزایی منابع و جلب اعتماد باشد.

✎ شورای گفت‌وگوی کیش تا چه اندازه از الگوی ملی الهام گرفته و در چه مواردی ناگزیر به انطباق با ساختار محلی شده است؟

ما از تجربه موفق شورای گفت‌وگوی ملی الهام گرفتیم، اما بلافاصله فهمیدیم که کیش اقتضات خاص خود را دارد. مثلاً در سطح ملی، شورا در چارچوب مصوبه هیئت وزیران و با ریاست وزیر اقتصاد شکل می‌گیرد. اما در کیش، باید سازوکاری می‌ساختیم که با ساختار سازمان منطقه آزاد هماهنگ باشد و در عین حال از ظرفیت‌های بخش خصوصی به صورت واقعی استفاده کند. بنابراین تلاش کردیم ساختار شورا را ساده، منعطف و متکی بر گفت‌وگوی واقعی طراحی کنیم، نه صرفا یک نهاد فرمالی‌شی.

۷. از تشریفات تا تسهیلگری؛ عملکرد واقعی شورا

✎ با توجه به وظایف شورا، این سازوکار چگونه می‌تواند میان بخش‌های مختلف خصوصی، دولتی و اجتماعی در کیش پیوند ایجاد کند؟

با طراحی فرایندهای گفت‌وگوی ساختاریافته، نشر گزارش‌های منظم و استفاده از ظرفیت نخبگان محلی، شورا می‌تواند به عنوان حلقه اتصال مؤثر عمل کند. اگر شورا به‌جای یک ساختار اجرایی صرف، نقش تسهیلگر را ایفا کند، می‌تواند این پیوند را مستحکم کند.

✎ شورا چگونه می‌تواند از خطر انحلال‌شدن به جلسات نمایشی دوری کند و به یک نهاد مؤثر در سیاست‌ورزی اخلاق‌مدار تبدیل شود؟



دوره‌ای که نه براساس نقشه‌ای از پیش تعیین‌شده، بلکه با رویکردی انعطاف‌پذیر، پیش‌رونده و نوآورانه پیش رفت.

در فهم این تجربه یگانه نمی‌توان از نقش برخی افراد کلیدی عبور کرد؛ کسانی که نه‌تنها در ساخت نهاد، بلکه در بنیان‌گذاری اندیشه آن نیز مؤثر بوده‌اند. در صدر این چهره‌ها، مهندس محمدرضا یزدان‌پناه قرار دارد؛ نخستین مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش و معمار اولیه نظم نهادی آن. یزدان‌پناه تنها مسئول اداره یک سازمان نوظهور نبود، بلکه در غیاب چارچوب‌های تثبیت‌شده، با نگاهی راهبردی و جسورانه، مدل تازه‌ای از تعامل میان دولت، جامعه و بازار را در عمل طراحی و اجرا کرد. حضور هم‌زمان او در عرصه اجرا و اندیشه، نقشی بی‌بدیل در

تبدیل کیش به بستری برای مدیریت مشارکتی و توسعه‌محور ایفا کرده است. در بخشی از این گفت‌وگو، از او پرسیدم که چرا کیش توانسته در مقایسه با میانگین ملی، روندی پویاتر و متفاوت‌تر در توسعه طی کند؟ پاسخش روشن و بنیادین بود: حضور مؤثر بخش خصوصی، اگر کنار دولتی سبک‌بار، تسهیلگر و منعطف. به باور او، این ترکیب کیش را به سکویی برای تجربه حکمروایی نوآورانه بدل کرده است. این گفت‌وگو تلاشی است برای فهم عمیق‌تر این تجربه نهاده‌ساز؛ از ریشه‌های آن آغاز می‌شود، چالش‌های امروز را بررسی می‌کند و تصویری از افق‌های پیش‌روی حکمرانی در کیش ترسیم می‌کند.

انتظار داریم شورا به عنوان یک سکوی سیاست‌ورزی اخلاق‌مدار، شفاف و حقیقت‌محور عمل کند. شورا باید مستقل، متعهد به گزارش‌دهی شفاف و پیگیر عملی پیشنهادات باشد. اگر شورا این ویژگی‌ها را داشته باشد، می‌تواند الگوی حکمرانی در مناطق آزاد کشور باشد.

✎ آقای یزدان‌پناه، اگر بخواهید توضیح دهید که فرایند شکل‌گیری شورای گفت‌وگوی بخش خصوصی و سازمان منطقه آزاد کیش چگونه طی شده و حالا این شورا در چه مرحله‌ای از فعالیت قرار دارد، چه توضیحی خواهید داد؟
فرایند شکل‌گیری شورای گفت‌وگوی بخش خصوصی و سازمان منطقه آزاد کیش، به ابتکار جناب آقای کبیری، مدیرعامل جوان و تحول‌گرای سازمان، آغاز شد، با هدف آنکه بستری مؤثر برای گفت‌وگو، تبادل نظر و تصمیم‌سازی مشترک میان سازمان، بخش خصوصی و دیگر ذی‌نفعان ایجاد شود. در گام نخست، تأکید ما بر طراحی ساختاری ساده، مشارکت‌پذیر و قابل اجرا بود. تلاش شد از تجربیات پیشین، ظرفیت‌های محلی و دیدگاه‌های نخبگان و فعالان اقتصادی بهره گرفته شود و شورایی بومی، درون‌زا و مبتنی بر منطق گفت‌وگو شکل گیرد. اکنون این طرح در فرایند تصویب قرار دارد و امیدواریم با نهایی‌شدن آن، زمینه برای مشارکت گسترده‌تر و منسجم‌تر همه ذی‌نفعان و صاحب‌نظران فراهم شود و این شورا به الگویی کارآمد برای حکمرانی مشارکتی در مناطق آزاد بدل شود.

✎ شورا برای بقا نیازمند حفظ «چرخه مشروعیت» است؛ یعنی باید کارکرد واقعی داشته باشد تا مشروعیت پیدا کند و این کارکرد را برای ماندگاری ادامه دهد. در این مسیر، چه خطراتی آن را تهدید می‌کند و چه سازوکارهایی می‌تواند جایگاه آن را تثبیت کند؟

شورا اگر بتواند در عمل به نهادی «توصیه‌ساز»، «سیاست‌یار» و «ناظر مشفق» تبدیل شود، می‌تواند نقش بی‌بدیلی در بهبود کیفیت سیاست‌گذاری منطقه‌ای ایفا کند. اما تهدید اصلی، فروکاستن شورا به جلساتی بی‌اثر، نمایشی و بدون پیگیری است. هر نهاد نوپا برای بقا نیاز به کارکرد دارد، نه صرفا نام. اگر فعالان اقتصادی حس کنند که گفت‌وگو نتیجه‌ای ندارد، شورا بی‌اثر می‌شود. از سوی دیگر، اگر مدیران سازمان شورا را به عنوان رقیب یا مزاحم ببینند، مسیر تعامل به بی‌بست می‌رسد. اینجا همان جاست که بلوغ نهادی، صبر و اعتمادسازی اهمیت پیدا می‌کند.

به نظر مهم‌ترین توصیه این است: «گفت‌وگو را از افراد به نهاد منتقل کنید»، یعنی شورا نباید وابسته به اشخاص خاص باشد، باید بتواند تغییر دولت‌ها، مدیران یا حتی ترکیب فعالان اقتصادی را تاب بیاورد و همچنان مؤثر بماند. این یعنی ساختن دیرخانه‌ای قوی، مستندسازی دقیق و شفاف‌کردن سازوکارهای تعامل. همچنین باید از تجربه‌های ملی و بین‌المللی استفاده کنیم تا شورا در مسیر آزمون و خطا متوقف نماند.

۸. کیش آینده؛ الگویی پایدار برای حکمرانی مشارکتی

✎ به طور کلی شما چه توصیه‌ای برای آینده کیش و شورا دارید تا به یک مدل حکمرانی موفق و پایدار تبدیل شود؟

برای آینده کیش، توصیه من این است که باید به «پایداری نهادی» توجه ویژه‌ای داشته باشیم. حکمرانی پایدار نیازمند نهادهایی قدرتمند، مستقل و شفاف است که بتوانند در برابر تحولات اقتصادی و سیاسی مقاوم داشته باشد. کیش باید به عنوان الگویی از حکمرانی مشارکتی شناخته شود که در آن تصمیم‌سازی از الزامات است. شورا باید به طور مستمر در فرایندهای تصمیم‌سازی دخالت داشته باشد و اعضای آن، به‌ویژه بخش خصوصی، باید احساس کنند نظارت و پیشنهاداتشان در تصمیمات تأثیرگذار است. همچنین ایجاد ارتباط مستمر و اثربخش میان شورا و سایر نهادهای، از جمله دولت و بخش خصوصی، به طور جدی باید مورد توجه قرار گیرد.

✎ آینده حکمرانی در کیش را چگونه می‌بینید و جایگاه بخش خصوصی در این آینده چیست؟

آینده حکمرانی در کیش باید به سمت الگویی نوآورانه، اخلاق‌مدار و مشارکتی حرکت کند. بخش خصوصی نقش بی‌بدیلی در این فرایند دارد؛ چراکه نه‌تنها در توسعه اقتصادی کیش تأثیرگذار است، بلکه باید به عنوان شریک اصلی در فرایندهای تصمیم‌سازی و مدیریت منطقه‌ای مشارکت داشته باشد. کیش باید به عنوان الگویی از حکمرانی مشارکتی شناخته شود که در آن دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی به طور یکپارچه و هماهنگ برای رفاه و توسعه پایدار این منطقه هم‌افزایی می‌کنند.

✎ چه پیامی برای نخبگان، شهروندان و فعالان اقتصادی کیش در این مسیر تازه دارید؟

پیام من به همگان این است که بیایید کیش را با هم بسازیم؛ با صداقت، مشارکت و امید. فقط با گفت‌وگو، همدلی و همکاری می‌توانیم کیش را به الگویی برای حکمرانی اخلاق‌محور و مردم‌محور در ایران تبدیل کنیم. کیش آینده، فقط زمانی می‌تواند الگویی برای حکمرانی مشارکتی شود که مردم نه صرفا مخاطب سیاست‌ها، بلکه هم‌پدیدآور آنها باشند. این، مسیر ماست.

✎ اگر بخواهید در یک جمله کیش آینده را ترسیم کنید، آن جمله چیست؟

کیش آینده جزیرهای است که در آن توسعه از دل مردم می‌جوشد، نه اینکه بر سر آنها فرود بیاید.